

تأملی در معنای فساد

مسعود صادقی / پژوهشگر و دانشجوی دکتری فلسفه‌ی اخلاق

آنچه اکنون از نظر می‌گذرانید بیش‌تر محصول تأمل و تفلسف است تا تحقیق و تتبع. در این نوشتار بسیار کوتاه می‌کوشم تا چند وجه مهم و عمدتاً مغفول از مقوله‌ی «فساد» را در کمال ایجاز صورت‌بندی نمایم؛ اگرچه تبیین هر یک از این وجوه و نکات منشعب از آن می‌تواند دستمایه‌ی مباحثی درازدامن باشد.

● وجه واژگانی فساد

۱) مفهوم فساد یا فاسد شدن نه فقط در زبان فارسی بلکه دست‌کم در عربی، فرانسوی و انگلیسی (corruption) علاوه بر معنایی جرم‌آمیز و گناه‌آلود، معنای کثیف شدن، تعفن و حال برهم زدن را نیز به ذهن متبادر می‌سازد و هر دو سویه‌ی معنایی را در بر می‌گیرد.

۲) ما هر جرم یا هر خطایی را فساد و به تبع آن هر مجرم حقوقی یا خاطی اخلاقی را فاسد نمی‌نامیم. ۳) کسی فاسد است و چیزی فساد که جرم یا تقصیر در آن رسوخ کرده باشد و آن را از حالت طبیعی و اولیه‌اش بیش از حد دور ساخته باشد. ظاهراً ما چیزی را فساد می‌نامیم که از صورت مطلوب یا طبیعی خود خارج شده است، گویی کثیف و ناپاک است و در نتیجه حال ما را بر هم می‌زند.

۴) تهوع و انزجار (disgust) تنها یک واکنش فیزیولوژیک به شیء فاسد نیست و گاه واکنشی روانی به امر فساد و انسان فاسد است.

۵) شاید اتفاقی نباشد که مفهوم فساد، کثافت یا ناپاکی را آدمیان بالاخص دین‌داران و ادیان از مقولات جسمی به حالات روحی تعمیم داده‌اند.

۶) البته بسیار دشوار (و چه بسا کم‌یافته) است که دریابیم ابتدائاً مفهوم فساد از مقولات روحی، روانی و اخلاقی به مقولات فیزیکی و جسمانی راه یافته یا بالعکس؟

● وجه فرافردی فساد

۷) در مفهوم فساد نوعی سازمان‌یافتگی یا دست‌کم فرافردی بودن به چشم می‌آید.

۸) ما کم‌تر یک فرد حسود یا حتی یک قاتل را به‌صرف

حسادت و یا قتلی که مرتکب می‌شود فاسد می‌نامیم. ۹) فاسد کسی است که علاوه بر دیگر مؤلفه‌ها و خصوصیات رذیلت‌آمیز، کار مفسده‌بار خود را دست‌کم با مشارکت کسی دیگر و یا یک جمع انجام می‌دهد.

● وجه تدریجی فساد

۱۰) فساد امری مزمن، تدریجی و فرایندی است. ۱۱) فساد، تنها یک عمل نیست.

۱۲) فساد برای تحقق خود می‌تواند یا می‌باید به عملی رذیلت‌آمیز منجر شود، اما هیچ‌کس به محض انجام یک عمل، فاسد قلمداد نمی‌شود. ۱۳) یک عمل به هر اندازه که قبیح باشد، تا تکرار نگردد و تا ناشی از یک صفت مانای روانی نباشد به فساد نمی‌انجامد.

۱۴) ما به کسی که به شکلی ناگهانی، آنی، بی‌برنامه و تحت تأثیر شرایطی خاص و تنها برای یک‌بار دست‌به‌عملی نادرست زده‌باشد، فاسد نمی‌گوییم. ۱۵) فساد یا فاسد شدن زمان‌بر و تدریجی است و نشانه‌ی اصلی آن نه یک رفتار بلکه افکار و صفات نهادینه است.

● وجه منش‌انگاره‌ی فساد

۱۶) می‌توان گفت مفهوم و لفظ فساد بیش‌تر با نگرش‌های منش‌انگار، فضیلت‌گرایانه و فاعل‌مدارانه‌ی اخلاقی سازگار است.

۱۷) در یک نگرش فایده‌گرایانه به اخلاق تقریباً تعبیر «انسان فاسد» بی‌معنا است.

۱۸) البته فساد هم‌معنای رذیلت نیست، اما هم‌راستا با آن و از مصادیق خاص آن است.

● وجه بیمارگونه‌ی فساد

۱۹) فساد، یک بیماری است. ۲۰) انسان‌های فاسد علاوه بر مقابله به مداوا نیز احتیاج دارند.

۲۱) فساد همانند بیماری باید مورد پیشگیری قرار گیرد. ۲۲) فساد به یک معنا در مقابل تازگی، طراوت و سلامت قرار می‌گیرد.

۲۳) از منظری دیگر فساد در مقابل صلاح، و انسان فاسد در مقابل انسان صالح است.

● وجه نسبی فساد

۲۴) مفهوم فساد برخلاف برخی از مصادیق آن همواره بوده است.

۲۵) افراد و جوامع مختلف معمولاً چیزی را بیش‌تر فساد می‌نامند که بر روی آن حساسیت افزون‌تری دارند.

۲۶) رویکرد اخلاقی یک فرد یا جامعه را از طریق حساسیت‌ها/ چیزهایی که آن را مصادق فساد می‌داند بهتر می‌توان شناخت.

● وجه بومی فساد

۲۷) در ایران و برخی از جوامع شبیه به ما فساد اقتصادی را از فساد اخلاقی تفکیک می‌کنند.

۲۸) گویی برای برخی فساد اقتصادی یک فساد اخلاقی نیست و یا به اندازه‌ی «فساد اخلاقی» غیر اخلاقی نمی‌باشد.

۲۹) برخی‌ها ترجیح می‌دهند به واسطه‌ی یک «فساد اقتصادی» به زندان بروند تا یک «فساد اخلاقی».

● جمع‌بندی

فساد را می‌توان رذیلتی نهادینه و ملکه‌گونه دانست که غالباً حالتی فرافردی دارد، در طول زمان و به شکلی بطئی محقق می‌شود، انزجار و تنفر دیگران را برمی‌انگیزد و همانند یک بیماری، علاوه بر مقابله به پیشگیری و مداوا احتیاج دارد.

با توجه به نکات فوق و جمع‌بندی متخذ از آن می‌توان گفت فرد یا جامعه‌ای که به عنوان مثال، از جرائمی اقتصادی همانند تبعیض یا اختلاس دچار اشمئزاز نمی‌شود، در واقع بزه‌های اقتصادی را مصادق فساد نمی‌داند. فرد فاسد و امر آلوده به فساد همانند هر پدیده‌ی فاسد دیگری باید حال بر هم زن، مشمئزکننده و غیرقابل هضم باشد و اگر چنین نباشد در واقع ما از روی تعارف یا تظاهر به آن پدیده لقب فساد و یا مفسده را منظم می‌نماییم. □